



دربارهٔ ارتش سرخ هند

منتسب به مائوئیست‌های هند

مترجم: الشیوعیه





در گندُمزار زنجیره می خوانند...

از ۲ تا ۸ دسامبر ۲۰۲۴، کادرها، مبارزان، فعالان توده‌ای و هواداران مائوئیست‌های هند، بیست و چهارمین سالگرد تأسیس ارتش کارگری-دهقانی هند، ارتش چریکی آزادی‌بخش خلق، را جشن می‌گیرند. در رابطه با این مناسبت، بیانیه‌های جدیدی صادر شد، کمپین‌های تبلیغ و ترویج مسلحانه به راه افتاد و راهپیمایی‌ها و برنامه‌های گسترده‌ای با مشارکت توده‌ها برگزار شد.

این مقاله کوتاه که به‌طور کامل به ارتش سرخ هند اختصاص داده شده است و تاریخچه تأسیس این ارتش، نقش آن در انقلاب دموکراتیک نوین هند، فعالیت در میان توده‌ها و زنان و همچنین دستاوردهای نظامی آن را مختصراً بررسی می‌کند.

در ادامه، میراث بسیاری از شورش‌های تاریخی ضد استعماری آدیواسی، مبارزات دهقانی و به ویژه قیام بزرگ دهقانی تلانگانا (۱۹۴۶-۱۹۵۱)، قیام دهقانان ناکسالباری (۱۹۶۷) تحت رهبری گروه سیلیگور رفیق چارومازومدار و کانو سانپال، مبارزه مسلحانه به‌عنوان شکل عمده مبارزه سیاسی وارد عرصه جنبش انقلابی هند شد. با به‌کارگیری استراتژی تسخیر قدرت در سطح منطقه‌ای به‌عنوان جزئی اصلی از جنگ طولانی مدت خلق، جوخه‌های مسلح از همان آغاز جنبش مائوئیستی هند، نقش مهمی ایفا کردند؛ اما به‌رغم این واقعیت که اولین پایه‌های مشی سیاسی و نظامی قبلاً توسط چارومازومدار از حزب کمونیست هند (مارکسیست-لنینیست) و کان‌های چترجی از داکشین دش (بعداً مرکز کمونیست مائوئیست هند) ترسیم شده بودند؛ اما یک ارتش یکپارچه خلقی وجود نداشت و جوخه‌های چریکی هنوز کاملاً متحد نشده بودند و فاقد ساختار فرماندهی مشترک بودند.

زمینه تاریخی و اهمیت ایجاد ارتش چریکی آزادی‌بخش خلق

مائوئیست‌ها پس از عقب‌گردهای قابل توجه ناشی از سرکوب‌های وحشیانه دولت ارتجاعی علیه نیروهای انقلابی و همچنین به دلیل رویه‌های نادرست و محدودیت‌های درون جنبش؛ تاریخ، استراتژی و تاکتیک‌های خود را مورد ارزیابی مجدد قرار دادند. این تعادل انتقادی و اصلاح همه‌جانبه نیرویی تازه به کالبد جنبش انقلابی دمید و با آغاز روند اتحاد همراه بود، مبارزه مسلحانه انقلابی در جهت ایجاد قدرت نوین در چندین ایالت از جمله چاتیسگار، جارکند، بیهار، اودیشا، بنگال غربی و آندرا پرادش شدت گرفت.

این خیزش مجدد مائوئیست‌ها، خاری در چشم ارتجاع بود و در نتیجه، آن‌ها تصمیم فاجعه‌باری گرفتند: در اول دسامبر ۱۹۹۹، حدود ساعت ۱۳:۳۰، تیمی از مرتجعین دفتر ویژه اطلاعات آندرا پرادش (APSIB) وارد عمل شدند. بر اساس اطلاعاتی که گوویندردی خائن ارائه داده بود، عملیاتی برای دستگیری سه انقلابی بزرگ آغاز شد. رفقا شیام، ماهش و مورالی، سه تن از برجسته‌ترین اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست هند جنگ خلق (CPI (ML) بودند که نقش کلیدی در پیشبرد انقلاب هند، به ویژه در ایالت آندرا پرادش داشتند. پس از ربودن آن‌ها از پایگاهی واقع در منطقه باناشانکاری، بنگلور، کارناتاكا، پلیس بلافاصله آن‌ها را برای بازجویی و شکنجه به حیدرآباد برد، به این امید که اطلاعاتی حساس را از رفقا کسب کنند - اما مانند بسیاری انقلابیون، آن‌ها ثابت قدم ماندند. مرتجعین بدون این‌که به هیچ موفقیتی دست یابند، متعاقباً سه رفیق را به منطقه جنگلی کویورو در منطقه کریمناگار برده و در دوم دسامبر با ترتیب دادن صحنه‌ای ساختگی از درگیری با «تروریست‌ها»، آن‌ها را به قتل رساندند.

جنبش انقلابی بلافاصله پاسخ داد. به قول رفیق گاناپاتی، دبیرکل حزب سابق جنگ خلق (PWG): «خون با خون پاسخ داده خواهد شد!» بلافاصله در سوم دسامبر، تجمعات گسترده در جگیتال برای راهپیمایی خاکسپاری رفیق مورالی آغاز شد. به‌رغم ترفندهای مختلفی که دولت ارتجاعی از طریق آن تلاش کرد مانع از این اعتراضات شود، هزاران نفر در مراسم تشییع جنازه و راهپیمایی‌های مختلف شرکت کردند. بلافاصله پس از آن، ۸ تا ۱۴ دسامبر به‌عنوان هفته اعتراض در سراسر آندرا پرادش اعلام شد. سپس اعتصابات همراه با تعطیلی از ۱۵ دسامبر شروع شد، تجمع عظیمی همزمان در مرکز حیدرآباد، توسط چندین حزب انقلابی و سازمان‌های توده‌ای برگزار شد.

معترضان، این درگیری ساختگی را محکوم کردند و به صفوف پلیس ضد شورش هجوم بردند. تظاهرات توده‌ای در سراسر کشور ادامه یافت و جوخه‌های مسلح دست به اقدامات تلافی‌جویانه زدند که در جریان آن ده‌ها مرتجع در مناطق مختلف پاکسازی شدند، دفاترشان منفجر یا سوزانده شد و فعالیت اقتصاد ضد خلقی در این مناطق متوقف شد و خسارات قابل توجهی به منافع بورژوازی بوروکراتیک-کمپرادور وارد شد.

در ارتباط با این اوضاع، مقدماتی برای تأکید بیشتر بر مبارزه مسلحانه، متحدکردن و متمرکزکردن جوخه‌های مسلح و ایجاد نظم و هماهنگی میان آنان انجام شد. بر این اساس، در اولین سالگرد شهادت سه رفیق، جهشی صورت گرفت: ارتش چریکی خلق (PGA) تشکیل شد. این رویدادی با اهمیت فوق‌العاده بود و اساساً با درک عمیق‌تر حزب از مائوئیسم مرتبط بود و با حرکتی به سوی ساخت جاناتانا سرکار (دولت‌های خلقی)، فراهم کردن سلاحی قدرتمند برای پیشبرد به سمت قله‌های جدید در همه زمینه‌های مبارزه همراه بود. این اولین بار در تاریخ هند بود که حزب به‌طور سیستماتیک ارتش یکپارچه خلق را ایجاد کرد و گسترش جنبش انقلابی را در تمام جبهه‌ها رقم زد.

این روند با گسترش، تحکیم و حرفه‌ای‌سازی نیروهای مسلح مرکز کمونیست مائوئیست هند (MCCI) همراه بود، که به ساخت سیستماتیک ارتش چریکی آزادی‌بخش خلق (PLGA) در ۲۲ آوریل ۲۰۰۳ ختم شد. هر دو حزب، حزب کمونیست هند جنگ خلق (PWG) و حزب کمونیست مائوئیست هند با به راه انداختن مبارزه دو خط پیوند نزدیک‌تری برقرار کرده و سرانجام سازمانی یکپارچه با یک نیروی نظامی واحد را ایجاد کردند. پیشاهنگ پرولتریای هند، حزب کمونیست هند (مائوئیست)، به‌مثابه بیان سیاسی این وحدت متولد شد.

وظایف و نقش ارتش چریکی خلق در انقلاب هند

در انقلاب دموکراتیک نوین هند، مبارزه مسلحانه برای ایجاد ارگان‌های قدرت نوین، اصلی‌ترین و عالی‌ترین شکل مبارزه سیاسی است. از این رو، کار در میان توده‌ها و ایجاد سازمان‌های توده‌ای ضروری بوده و انقلاب بدون آن‌ها نمی‌تواند کاری را از پیش ببرد؛ اما باید توجه داشت که تمام این تشکلات در خدمت پیشبرد جنگ انقلابی هستند. بنابراین، ارتش چریکی خلق - اگرچه تابع حزب است - نقش اصلی سازماندهی انقلاب را بر عهده دارد. برای انجام صحیح این وظیفه، کمیته‌های حزبی در داخل ارتش تشکیل می‌شوند، کمیسرهای سیاسی فعالیت کرده و آموزش همه‌جانبه‌ای در همه حوزه‌ها - به‌ویژه در حوزه سیاست - تحت اصل «ارتش باید یک مدرسه بزرگ باشد» انجام می‌شود. ارتش هنگام ادغام با توده‌هایی که به حمایت آن‌ها متکی است، مبارزه، انجام تبلیغ و ترویج، آموزش سیاسی مستمر، شرکت در تولید در کنار توده‌ها یا تشکیل واحدهای پزشکان مردمی برای ایجاد یک سیستم بهداشتی جدید را به پیش می‌برد. ارتش چریکی خلق به‌عنوان ابزار اصلی انجام وظایف سیاسی، سازمانی، تبلیغاتی، دفاعی و تولیدی عمل می‌کند.

هر سه جزء وابسته به هم - نیروی اصلی، ثانویه و پایه - بوده و برای تضعیف و نابودی ساختارهای قدرت پوسیده سرمایه‌داری بوروکراتیک، نیمه‌مستعمره و کاستی-فئودالی دشمن در خط مقدم قرار دارند و در جهت ایجاد مناطق چریکی و سپس پایگاه‌های چریکی و سرانجام مناطق پایگاهی آزاد شده دائمی به‌عنوان وظیفه‌ای فوری تلاش کرده و در جهت تبدیل ارتش چریکی خلق به ارتش آزادی‌بخش خلق، از یک ارتش چریکی به یک ارتش منظم از نوع جدید و از جنگ چریکی به جنگ متحرک مبارزه می‌کنند. این امر به ویژه در ساخت و ساز کمیته‌های خلق انقلابی (RPCs) که به عنوان دولت‌های

خلقی تمام عیار با رؤسای منتخب، معاونان، وزارتخانه‌ها و برنامه‌های گسترده در حمایت از توده‌ها تحت رهبری حزب مائونیست عمل می‌کنند، بیان می‌شود. هر کجا که توده‌ها علیه آوارگی، استخراج معادن توسط شرکت‌های چندملیتی، تخریب و آلودگی محیط زیست، روابط فئودالی یا استثمار سرمایه‌داری-امپریالیستی مبارزه کنند، ارتش چریکی خلق - و به ویژه میلیشاهای خلقی آن به‌عنوان نیروهای پایه - به آن‌ها کمک می‌کنند. نمونه‌های مبارزات تاریخی و جاری در سینگور، ناندیگرام و لالگره در پاسچیم بنگ؛ مبارزات نارایاناپاتنا و کالینگانگار در اودیشا. مبارزه ضد بوکسیت و یساکا در آندرا پرادش. سورجاگره در ماهاراشترا؛ مبارزات علیه پروژه‌های معدنی مختلف در جارکند و مبارزات ضد آوارگی اجباری در لوهندیگودا، راوغات، پالمادی، بودغات گواه این امر هستند.

ارتش خلق - ارتش زنان

با اذعان به این که زنان نیمی از آسمان را بر دوش دارند، ارتش چریکی خلق توجه ویژه‌ای به جذب و آموزش زنان مبارز دارد. در حالی که جامعه مردسالار کهنه، زنان را موجوداتی «ضعیف» می‌داند، آن‌ها را بر اساس جنسیت اجتماعی‌شان سرکوب می‌کند و از بسیاری از حوزه‌های فعالیت در جامعه طرد می‌کند؛ حزب، ارتش خلق، سازمان‌های توده‌ای و قدرت نوین آلترناتیو کاملاً متفاوتی ارائه می‌کنند: ۵۰-۶۰ درصد از مبارزان سرخ و اکثریت فرماندهان ارتش سرخ امروزی زن هستند و نقش اصلی را در دولت خلقی بر عهده دارند. حزب قاطعانه بر این عقیده است که دیدگاه‌های پدرسالارانه، خصلتی کاملاً ضد پروولتاریایی داشته که بر کل جنبش انقلابی تأثیر می‌گذارند و باید با آن‌ها قاطعانه مبارزه کرد: به این ترتیب، کمپین‌های اصلاحی گسترده‌ای مانند آن‌چه در سال ۲۰۱۰/۲۰۱۱ انجام شد، برای مبارزه با این دیدگاه‌ها و همه مظاهر آن صورت گرفته است. در حالی که زنان مبارز به‌طور کلی در وضعیتی یکسان و با حقوق و وظایف کاملاً برابر آموزش می‌بینند، به مردان آموزش داده می‌شود تا به جای این که کمک خود را به زنان تحمیل کنند، زنان حق دارند آزادانه هرگاه به کمکی نیاز دارند، آن را درخواست کنند. نیز توجه ویژه‌ای به چرخه‌های قاعدگی زنان داده می‌شود و به رهبران گروه و اعضا آموزش می‌دهند تا آن‌ها را در نظر بگیرند، به ویژه در هنگام انجام تمرینات مشترک. فراهم کردن لباس‌های تمیز برای دوران قاعدگی، آموزش بهداشت زنان، دتول و صابون‌های شوینده بخشی منظم از زندگی حتی در جوخه‌های مسلح چریکی در جنگل‌ها است. به همین ترتیب، غذاهای ویژه‌ای مانند بادام زمینی، دمنوش یا تخم مرغ آب‌پز برای زنان برای پیشگیری از کم‌خونی تهیه می‌شود، زیرا زنان در جامعه کهنه هند شدیداً مورد تبعیض قرار می‌گیرند و در نتیجه دچار مشکلات جسمی فراوانی می‌شوند.

و از آن جایی که ارتش چریکی خلق بخشی اصلی و کمکی به جنبش‌های توده‌ای است، در دفاع و حمایت قاطعانه از سازمان‌های توده‌ای زنان مانند ناری موکتی سانگ (NMS) و کارانتیکاری آدیواسی ماهیلا سانگاتان (KAMS) که صدها هزار نفر را در مبارزات مشترک خود در بر می‌گیرند، با موفقیت در برابر تفکرات و اعمال مردسالارانه از هر نوع مبارزه می‌کنند: از اخراج اجباری زنان از روستاهای خود در دوران قاعدگی تا منع آن‌ها از کار در مزرعه، قتل‌های جهیزیه‌ای، کودک‌همسری و فحشا و حذف زنان از فرهنگ جامعه. از طریق تلاش‌های مشترک حزب، ارتش خلق و سازمان‌های توده‌ای، بسیاری از این ارزش‌ها و هنجارهای ارتجاعی با موفقیت در بسیاری از مناطق سرخ پایان یافته‌اند.

در مبارزات توده‌ای فوق‌الذکر نیز، زنان ابتکار عمل را به دست گرفته و در خط مقدم قرار دارند، از جمله اعتراضات فعال و مبارزه علیه جنایات پلیس و ارتش ارتجاعی، که به‌عنوان یک نیروی اشغالگر در مناطق سرخ فعالیت می‌کنند. زنان متعددی به‌عنوان بخشی از این انقلاب دموکراتیک نوین جان‌گران‌بهای خود را برای توده‌ها در اقدامات جسورانه فدا کرده‌اند.

حزب مائوئیست

هیچ انقلاب اجتماعی نمی تواند پیشروی کند، مگر این که زنان که نیمی از آسمان را به دوش می کشند، جزئی از مبارزه شوند و نقش خود را ایفا کنند. به ویژه، در انقلاب جهانی سوسیالیستی که تحت رهبری پرولتاریا انجام می شود و در انقلاب دموکراتیک نوین که بخشی از این انقلاب است، شعار «بدون زنان، انقلابی در کار نخواهد بود» بر اساس دهه ها تجربه انقلابی تدوین شده است. مشارکت زنان در انقلاب نشان دهنده ماهیت پیشرو و مترقی آن است.

- نقش زنان در جنگ خلق، یک دهه راهپیمایی ارتش چریکی آزادی بخش خلق

۲۳ سال مقاومت مسلحانه

در بیش از دو دهه مبارزه و کار مداوم خود، ارتش چریکی و میلیشاهای خلق آن، تحت رهبری کمیسیون مرکزی نظامی حزب کمونیست هند (مانوئیست)، دو چیز مهم را ثابت کرده‌اند. اول این که یک ارتش خلق انقلابی، با رهبری یک مشی سیاسی-نظامی صحیح، با به کارگیری خلاقانه قوانین جنگ انقلابی و همچنین مبتنی بر بسیج توده‌ها، می‌تواند خود را در یک جنگ مستمر علیه دشمن برتر از لحاظ فنی و عددی حفظ کند. دشمنی که مشتاق است تسهیلات چپاولگرانه خود را از طریق غارت منابع طبیعی و نسل‌کشی مردم بومی از طریق همه ابزارهای کثیف از جمله حملات مرگبار پهبادی حفظ کند؛ اما ارتش سرخ حتی می‌تواند در میانه این شرایط اسفناک، خود را توسعه دهد، پیروزی‌های نظامی تاکتیکی در برابر این دشمن به دست آورد و گام به گام مناطق تحت کنترل دولت ارتجاعی را تصرف کرده و قدرت نوین خود را در میان خاکستر این دولت در حال مرگ ایجاد کند و حتی در میانه این وضعیت جنگی، با همه سختی‌ها و رنج‌هایش، می‌توان زندگی توده‌ها را بهبود بخشید. آن‌ها می‌توانند سرنوشت خود را به دست بگیرند و مسیر توسعه و تحولی را شاهد باشند که اساساً از گذشته متمایز است.

از حمله غافلگیرانه رانیبودیلی در سال ۲۰۰۷ (۶۸ نیروی دشمن خنثی شدند)، در نبرد موکارام-تادیمتلا در سال ۲۰۱۰ (۷۶ نیروی دشمن از بین رفتند)، کمین ضد کنگره در می ۲۰۱۳ (۲۷ نیروی دشمن به همراه رهبران مرتجع و اعضای احزاب دولتی حذف شدند) و ۲۰۱۷ کمین چیتاگوپا-بورکاپال (۲۵ نیروی دشمن کشته شدند) به ۲۰۲۱ کمین سوکما-بیجاپور (۲۳ نیروی دشمن حذف شدند)؛ ارتش خلق پیوسته نشان می‌دهد که می‌تواند به آسانی واحدهایی متشکل از صدها نیروی مسلح مرتجع را شکست دهد، تصمیم بگیرد که چه زمانی وارد نبرد شود، در مقابل جنایات وحشیانه‌ای

که اشغالگران به‌ویژه بر علیه توده‌های آدیواسی به راه انداخته اند، تلافی کند و عملاً هرگونه تردید در مورد توان عملیاتی ارتش سرخ را از بین ببرد.

همان‌طور که رفیق گاناپاتی اشاره کرد؛ جنبش همواره خون را با خون می‌شوید و این را با اقدامات متهورانه نشان داده و رعشه به جان مرتجعینی که مردم بومی را از سرزمین خود پاکسازی می‌کنند و با سیستم آپارتایدی خود، هر روز در همراهی با شرکت‌های چندملیتی آدم‌کشی می‌کنند، می‌اندازد.

ارتش چریکی آزادی‌بخش خلق به همان اندازه که خدمت‌گزار توده‌هاست است، دشمن سرسخت دولت مرتجع است. این ارتش ستون فقرات مقاومت انقلابی بوده و در ازای هر سرباز سرخی که شهید می‌شود، ۱۰ نفر مبارز جدید جای او را می‌گیرند و میراث درخشان شورش‌های گذشته را ادامه می‌دهند و در مسیر آزادی کل کشور گام بر می‌دارند. بنابراین، در میان بهترین سنت‌های جنبش انقلابی هند، این استواری - در خدمت به توده‌ها و بسیج آن‌ها، در عین مقاومت در برابر دشمن و پراکنده کردن آنان - است که جوهر زنده ارتش سرخ را تشکیل می‌دهد. هفته ارتش سرخ، هر ساله از دوم دسامبر در گرمی داشت شهادت رفقا شیام، ماهش و مورالی، به مناسبت پیروزی‌های ارتش سرخ و به یاد مبارزان کشته‌شده‌اش برگزار می‌شود و با روحیه پایداری و مقاومت، جنگ خلق تا آزادی آخرین استان کشور، تا پیروزی کامل انقلاب دموکراتیک نوین و ساختمان سوسیالیسم-کمونیسم به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از انقلاب جهانی پرولتری با قاطعیت ادامه خواهد داشت.



蝉

@zanjarehh: ما را در تلگرام دنبال کنید